

آزمون بزرگ در یک بز نگاه



روزنامه صبح‌دو در سرمقاله دیروز خود به قلم مهدی فاضلی به هتاکی اخیر میرحسین موسوی به شهدای مدافع حرم پرداخت و نوشت: برخی وقایع این روزها به مثابه آزمونی بزرگ برای جریان‌ها و چهره‌های شاخص و به عبارت دیگر خواص است. این آزمون، روشن‌شو خاود کرد جریان‌ها و خواصی که منافع جناحی و باندی و اقربانی منافع نظام و انقلاب می‌کنند، گدامنند و بالعکس. این آزمون، به یادداشت‌منسوب به میرحسین موسوی و موضع خواص جامعه در مورد آن مربوط می‌شود.

نویسنده ضمن بازخوانی استعغافی ناگهانی میرحسین موسوی در سال پایانی جنگ، در اعتراض به عدم رأی اعتماد احتمالی مجلس به تعدادی از وزرای پیشنهادی وی که باواکنش تند و عتاب‌آمیز امام‌خمینی(ره) همراه بود، به یادداشت اخیر او اشاره کرده و پرسیده‌است: آیا از یادداشت اخیر موسوی دشمنان اسلام کسی بهره برده است؟ کجا هستند این جریان‌ها؟ و چرا هیچ کدام در برابر این یادداشت بر آن کینه و از سر لعاجات هیچ موضعی نمی‌گیرند؟ تاآکیدات امام‌خمینی(ره) و خلف صالح او درباره ضرورت مرزبندی با دشمنان را فراموش کرده‌اند؟

چگونه است که در مواردی به مراتب نازل تر و آنگاه که اقدام و رفتاری مغایر نظر شما انجام می‌گیرد، جبهه‌وار همه به صحنه می‌آید و یکپارچه علیه آن موضعگیری می‌کنند و امروز با همان شیوه جبهه‌ای، اقدام موهن هم‌قبیله‌ای خود را با سکوت‌تان تأیید و مورد حمایت قرار می‌دهید؟ به هر حال، این یک بزنگاه مهم و آزمون بزرگی است برای همه چهره‌ها و جریان‌های سیاسی تا مرز خود را بافتنه‌انگیزان و دشمنانی که از رفتار آنان به وجد آمده و همصدا با هلهله سپاه یزید مشغول یابوکویی هستند، مشخص و جدا کنند. نتیجه این آزمون، در تداوم راه انقلاب و در بزنگاه‌های دیگر خود را نشان خواهد داد!

او یک «فراماسون» است!

روزنامه کیهان هم در یادداشت دیروز خود ضمن بازخوانی مواضع هتاکانه میرحسین موسوی طی سال‌های اخیر نوشت، شاید در نگاه‌اول باور نکنید که اقدام اخیر مهندس موسوی در حمایت آشکار از اسرائیل و داعش نه تعجب‌آور بود و نه غیرمنتظره‌اولی اسناد و شواهد به وضوح نشان می‌دهد، حرکت اخیر مهندس موسوی مأموریتی بوده است که به عنوان یک عضو تشکیلات مخوف فراماسونری بر عهده داشته است!

مدیرمسئول کیهان نوشته است: اوایل دهه ۸۰، یعنی چند سال قبل از فتنه ۸۸، و پیش از آنکه چهره واقعی موسوی به عنوان یکی از سزنان فتنه امریکایی-اسرائیلی ۸۸ افشا شود و در حالی که به عنوان چهرای مقبول در میان مردم و جریانات سیاسی شناخته می‌شد، دو تن از کارشناسان برجسته امنیتی که به چیره‌دستی و توانمندی شهره بودند و آن روزها یکی از پرورنده‌های جاسوسی موساد را در دست بررسی داشتند، در حلقه بسیار محدودی اعلام کردند که مهندس موسوی «ماسون» است!و در مقابل تعجب‌ناوم با یابآوری یکی از مأمروان گفتند: «حماسی در آینده‌ای نزدیک او را در پروژه‌ای علیه نظام به کار خواهند گرفت.»!

کیهان به این نکته هم اشاره کرده که شهید آیت‌اعلام کرده بود اسنادی در اختیار دارد که از فراماسون بودن موسوی خبر می‌دهد و بارها به مناسبت‌های مختلف از اشاره کرده بود.ایشان که میرحسین موسوی را گزینه مناسبی برای تصدی وزارت امور خارجه نمی‌دانست، در یکی از جلسات مجلس، به انتقاد از کابینه معرفی شده پرداخت و گفت که اسنادی را که نشان‌دهنده ارتباط موسوی با فراماسونری است، در جلسه بعدی مجلس در اختیار نمایندگان قرار خواهد داد. اما مرحوم آیت‌ا صحیح روز ۴ مرداد در حالی که عازم مجلس بود به شهادت رساندند!

در بخش دیگری از این یادداشت آمده است: فراماسون‌ها هنگامی که مأموریت یکی از اعضای خود را شکست‌خورده می‌بینند و احساس می‌کنند که به مناقشه‌ای که پدید آورده‌اند، روی اسب بازنده شتر طرندی کمره‌اند! مأمور شکست‌خورده را در یک عملیات انتحاری هزینه می‌کنند. بر اساس شواهد موجود، موسوی از نگاه دشمن مأموری بود که تاریخ مرضش تمام شده و باید دور انداخته می‌شد!او دقیقاً به همین علت او را در پست‌ترین و رذیلتانه‌ترین مواضعات صرف کرده‌اند، دفاع از اسرائیل، حمایت از داعش، ناسزاگویی به شهدا و… اکنون نوبت حامیان سینه‌چاک موسوی نظیر آقای خاتمی و طرف‌های سایر سرکردگان جریان مدعی اصلاحات است که باید موضع خود را درباره اقدام خبیانه‌آمیز موسوی مشخص کنند.

آخرین میخ بر تابوت فتنه‌ساز موسوی

روزنامه رسالت اما در نقد بیانیه مهجنانه موسوی آخرین میخ به تابوت سیاسی او را زربازی کرده و نوشته است: نقد

بیانیه بیستم موسوی نوعی لگدزدن به یک مردم سیاسی است. این بیانیه آخرین میخ به تابوت اعتبار موسوی او بود. این بیانیه خوانشی نو از ۹۱ بیانیه کهنه موسوی است. بیانیه موسوی یک رومانی از کارنامه آخر عمر سیاسی منینی بر همدگرایی با امریکا و صهیونیسم بین‌المللی است. نقش او امتداد داعش در ایران و تخطئه بیداری اسلامی در جهان بود که به بیانیه به وضوح دیده می‌شود. دلیل حصر او همین بود که او با این بیانیه آن را مستند کرد.

از کسی که به اهانت‌کنندگان به شعار آلهی عاشورا و حمله به مسجد و قرآن سوز در عاشورای ۸۸ لقب «مردان خداجوی» داد و شرارت سیاسی در مقابل، سلطنت‌طلبان، بیگانهگان و ضدانقلاب را در تأیید خود و تبلیغ دروغ «قلب» در آخرین بیانیه خود تأیید زد، نباید انتظار بازگشت داشت. او همچنان زیر خیمهٔ فتنه مشغول سرسپردهی به امپراتوری رسانه‌ای غربی است. نویسنده تصریح کرده‌است: بارها نوشت‌هام تا از تباط تجاردها با یحیی کاج‌بخش عضو سیاسی و مشاور سوروس در ایران در ۸۸ برده‌برداری نکنیم، نمی‌توانیم افعال و اقوال سیاسی او را تحلیل کنیم. در مورد موسوی هم تا از تباط او با اردشیر امیرار جمند عضو سیاسی و عضو منافقین به عنوان مشاور حقوقی او در ستاد انتخاباتی رمی رمز گشایی نکنیم، نمی‌توانیم تحلیل کنیم موسوی تا کجا می‌خواهد با این ننگ ابدی ایستادی در برابر جمهوریت و اسلامیت نظام پیش برد.

جنگ محاسباتی و صبر راهبردی

روزنامه جام‌جم در یادداشت دیروز خود به هیاهوی غربی‌ها برای تحت تأثیر قرار دادن ایران در مذاکرات پرداخت نوشت:

چند هفته قبل رسانه‌های غربی اعلام کردند امیدی به مذاکرات نیست و گفت‌وگو با زیاده‌خواهی ایرانی‌ها در حال شکست است و عملاً این چند ماه تلاش نتیجه‌مانده و این ایران است که به توافق نیاز دارد، نه ما.

از زین هیاهوی بلند می‌شود و رسانه‌های غربی متفقاً اعلام می‌کنند مذاکرات تمام و متن نهایی شده و این بهترین متنی است که در دسترس وجود دارد و همگان متن پیشنهادی آن‌ریکه مورا را پذیرفته‌اند و هر کس این را نپذیرد، مسئولیت شکست مذاکرات به عهده‌اوست. امریکایی‌ها سکوت کرده‌اند و چین و روسیه نشست مشترک بر گزار می‌کنند و تیم رسانه‌ای ایران اعلام می‌کند هنوز خبری نشده است. مؤلفه این صحنه‌ها نشان‌دهنده جنگ محاسباتی است که طرف غربی با هیاهوی رسانه‌ای به راه انداخته است. تکنیکی که برای دستکاری عناصر محاسباتی و الگوی ادراکی حریف استفاده می‌شود تا مذاکره‌کنندگان، تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران در سرنوشت‌سازترین لحظات، دچار خطای محاسباتی شوند. نویسنده در پایان اضافه کرده است: لازم است تیم مذاکره‌کننده با حوصله و بدون توجه به حواشی یا تمرکز بر اهداف مذاکراتی و با صلاّت مسیر را طی کند. به امید خدا برای احقاق حقوق ملت‌های نماده، کمی صبر راهبردی لازم است.



تجدیل

علی‌حسن حیدری

روزنامه جوان | شماره ۶۵۸۰ | ۱۴۰۱ | ۱۶ محرم ۱۴۴۴ |

پایان

سرورس سیاسی ۸۸۴۹۸۴۳۹

جنگ «۳۳روزه» علل، اهداف و پیامدها

روزی که حزب‌الله به مقاومت و اسلام عزت داد



جنگ ۳۳روزه که به جنگ «تموز» نیز معروف است،بعداز حمله رژیم‌صهیونیستی در ۱۲جولای ۲۰۰۶میلادی برابر با ۲۱ تیر ۱۳۸۵شمسی به لبنان آغاز شد. ششصدتن ارتش بزرگ جهان با بیش از ۲۰هزار نظامی وارد جنگ با حزب‌الله شدند. این جنگ بعد از ۳۳روز در صبح روز ۳۴برابر با ۱۱۴گوست ۲۰۰۶(۲۳مرداد ۱۳۸۵) با ورود سلازمان ملل و صدور قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت به پایان رسید. نزد اصحاب رسانه و تحلیلگران کشورهای عرب این جنگ به نام «جنگ ۳۳روزه»، «جنگ تموز» و «جنگ ششم» معروف شد و نزدیک رژیم‌صهیونیستی به «جنگ دوم» معروف است. دو سال بعد در تقویم سال ۱۳۸۷ با پیشنهاد شورای فرهنگ عمومی و تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۳۳مرداد، روز مقاومت اسلامی (پیروزی مقاومت اسلامی مردم لبنان بر رژیم‌صهیونیستی) نامگذاری شد. این جنگ که دومین موفقیت بزرگ حزب‌الله بعد از اخراج صهیونیست‌ها در سال ۲۰۰۰ (خرداد سال ۱۳۷۹) در جنوب لبنان بود، دومین تجربه ناکامی راهبردی اسرائیل بعد از اخراج ۲۳مرداد روزی است که حزب‌الله به جبهه مقاومت، به جهان عرب و اسلام پیوسته صهیونیستی بخشید؛ روزی که همیشه نهادینه شد. فرو ریخت و مقاومت برای همیشه نهادینه شد.

اهمیت این روز نه در یک تاریخ و رویداد نظامی،

بلکه در تحقق راهبردی است که حضرات امام(ره) پایه‌گذاری کردند و به‌ رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تداوم یافت.

در جنگ ۳۳روزه که در میان لبنانی‌ها به «نبرد تموز» شهرت دارد، همواره یک «ققشه‌جامع» از پیش‌طراحی‌شده از سوی سه کشور غربی امریکا، انگلیس، فرانسه و رژیم‌صهیونیستی با معاونت کشور‌های عربی مصر، اردن، عربستان و برخی احزاب لبنان سه اجرا در آمد. این جنگ یکی از بزرگ‌ترین محاسبات تاریخی بود که اختلاف غربی، عبری و عربی مرتکب شدند، به طوری که در همان هفته اول، ارتش صهیونیستی که به ناتوانی در جنگیدن با حزب‌الله پی برد، مایل بود پایان جنگ را اعلام کند ولی به اصرار امریکایی‌ها مجبور شد سه هفته دیگر جنگ را ادامه دهد اما در نهایت امریکان نیز تسلیم شد و با تصویب قطعنامه ۱۷۰۱شورای امنیت آتش‌بس را پذیرفت.

وقتی جنگ تمام شد، دو طرف جنگ در دو

وضعیت متفاوت قرار داشتند. صهیونیست‌ها به نوبت به شکست سنگین خود اذعان کردند و البته امریکایی‌ها نیز طبق سنت بازیگران سرخ‌ورده لبنان آغاز شد. ششصدتن ارتش بزرگ جهان با دیگر کارگزاران کار گذشته بود و شکست راهبردهای جبهه ضدمقاومت چنان عیان بود که با عملیات رسانه‌ای و روانی قابل پوشاندن نبود. دیگر شکست‌ناپذیری بودن ارتش صهیونیستی، اقتدار هول‌انگیز نیروی هوایی آن و قدرت اطلاعاتی موساد، در مقابل حزب‌الله فرو ریخته و موجی از بی‌اعتمادی تار و دوپود تولد جعلی، افکار عمومی و ارتش آن را به لرزه درآورده بود و ثبات قبل از جنگ جای خود را به امیدمی بی‌ثباتی داد بود که دومینوی استعفا و عزل مقامات و فرماندهان نظامی آغاز شده بود. موازنه قدرت و نیمه‌درآینها تهدید به نفع حزب‌الله و جبهه مقاومت رقم خورده بود، به طوری که تاریخ تحولات خاورمیانه در بخش نبردهای راهبردی بعد از جنگ به خاورمیانه قبل از جنگ ۳۳روزه و خاورمیانه بعد از آن تعریف و توصیف می‌شد و کارشناسان نیز در واکوی جایگاه و قدرت نظامی رژیم‌صهیونیستی بر اسرائیل قبل و بعد از جنگ ۳۳روزه تصریح می‌نمودند، به جهان عرب و اسلام پیوسته صهیونیستی را یک بازیگر شکست‌خورده منفعل که در سبک‌ل فرسایش روانی اعتباری افتاده است، یاد می‌کردند. در مقابل، حزب‌الله لبنان پس از جنگ مورد تحسین ملت‌ها قرار گرفت، حالا دیگر ملت ۳ تا ۴میلیونی لبنان در سایه اعتبار و عزتی که حزب‌الله برای آنها خلق کرده بود، می‌توانستند خود را در کانون توجهات ۲۰۰میلیونی عرب و حدود هیمیلیارد مسلمان ببینند و رهبر آن در صدر شخصیت‌های اول خاورمیانه عربی بنشینند، البته آثار و نتایج جنگ محدود به دو بازیگری که مستقیم درگیر جنگ بودند نمی‌شد بلکه این جنگ در واقع به دلیل جبهه بودن، شکلی از نبرد راهبردها و استراتژیست‌های نظامی و سیاسی دو جبهه مقاومت با محوریت ایران و جبهه ضدمقاومت با محوریت امریکا به خود گرفته بود، از این رو آثار آن به همان میزان در دو جبهه بازیگران عضو ائتلاف مقاومت(ایران، حزب‌الله و مقاومت فلسطین) و بازیگران ائتلاف ضدمقاومت(امریکا، اروپا و کشورهای عربی با محوریت عربستان) ظهور و بروز و معادلات سیاسی و امنیتی را به نفع جبهه مقاومت دستخوش تغییر راهبردی

این کشور ۲. انزوای سوریه و تلاش برای قطع حمایت‌های این کشور از محور مقاومت ۳. خلع سلاح حزب‌الله لبنان و رفع خطر آن از سر رژیم‌صهیونیستی پیش‌بینی شده بود، اما بعد از ناکامی در تحقق اهدافش از طریق شورای امنیت، در نهایت مأموریت اجرای این پروژه را با اهدافی از پیش تعریف‌شده به اسرائیل سپرد.

■ **اهداف جنگ تموز**

الف-اهداف علنی جنگ

رژیم‌صهیونیستی اهداف علنی خود را از آغاز جنگ علیه لبنان ۱. از بین بردن حزب‌الله و خلع سلاح آن ۲. آزادی دو نظامی اسیرشده توسط حزب‌الله و ۳. اجرای قطعنامه ۱۵۵۹ اعلام کرد.

اما جبهه ضدمقاومت از این جنگ اهدافی فراتر از اهداف علنی را تعقیب می کرد.

ب-اهداف پشت پرده و پنهان

البته رژیم‌صهیونیستی از آغاز جنگ اهدافی

راهبردی در نظر داشت که هرگز آنها را علنی

نکرد. این اهداف به اختصار عبارت‌اند از:

۱. بازگر دادنند قدرت بازدارندگی به ارتش اسرائیل پس از شکست سال ۲۰۰۰
۲. ارائه فرصت و امکان نقش آفرینی به امریکا برای ایجاد خاورمیانه جدید
۳. تضعیف موقعیت حزب‌الله و ایجاد اختلال در قدرت نظامی و وجهه این حزب
۴. خلع سلاح و نابودی حزب‌الله

۵. از بین بردن حزب‌الله لبنان با هدف تغییر معادلات سیاسی و امنیتی داخواه

۶. تشکیل خاورمیانه جدید و شکل دادن به

شعار می‌رود.

کاندولیزا رایس، وزیر خارجه وقت امریکا این جنگ را در در زایمان خاورمیانه نامید که قرار بود خاورمیانه جدیدی را (بدون حزب‌الله و حماس) که در آن از نیروی‌های مخالف امریکا

و رژیم‌صهیونیستی دیگر خبری نخواهد بود، متولد کند. جرج بوش این جنگ را بخشی از جنگ با تروریسم نامیده بود،اروپا جنگ را جنگی دفاعی خوانده بود و با مقاومت برتری خود را می‌گفتند و آن را آخرین نبرد برای تعیین تکلیف حزب‌الله و تغییر معادلات توصیف کرده بودند. در مقابل مقام معظم رهبری در روز هم جنگ، در پیامی که توسط جبهه‌های حاکم سلطانی برای دبیر کل حزب‌الله فرستاد، از قطعیت پیروزی مقاومت خبر داده بودند. روند جنگ به گونه‌ای پیش رفت که در نبرد راهبردها و مدیریت آن نیز دستگاه تحلیلی مقاومت برتری خود را در دستگاه تحلیل ائتلافی ضدمقاومت به اثبات رساند؛ موضعی که دشمن تصورش را هم نکرده بود. در واقع مقاومت در میدان نبرد اربا‌ها و ماشین نظامی و نیمه‌درآینها خاطره را درهادر طرف پیروز میدان شد.

■ **زمینه‌های جنگ «تموز»**

جبران ناکامی‌های سیاسی و شکست‌های دیپلماتیک با اقدام نظامی ناکامی در جداسازی لبنان از محور مقاومت ناکامی در همراه کردن سوریه برای خلع سلاح مقاومت اسلامی فلسطین و لبنان و اخراج نمایندگان مقاومت فلسطین از اراضی سوریه و همپوشانی خطه‌های تلخ اقدام حزب‌الله در وادار کردن صهیونیست‌ها به خروج از لبنان در سال ۲۰۰۰ و تبدیل شدنش به یک اثر غیر شگ کلاسیک محبوب در لبنان و منطقه و ظهور حزب‌الله در قامت یک تهدید راهبردی برای اسرائیل و متحدان غربی و عربی‌اش که می‌توانست سیاست امریکا برای تأثیرگذاری حداکثری بر خاورمیانه از طریق اسرائیل را به طور کامل فلج کند، از جمله زمینه‌های جنگ تموز علیه لبنان بود.

در همین راستا امریکا ابتدا با استفاده از ابزار قطعنامه‌های شورای امنیت توانست قطعنامه ۱۵۵۹ علیه محور مقاومت را به تصویب برساند که بر اساس آن ۱. تغییر نظام سیاسی در لبنان با حذف حزب‌الله از ساختار سیاسی

نگارخانه

کبری آسوپار

عقیق‌امید

ماه‌های فتنه ۸۸ تازہ تمام شده بود که با پیگیری هایم برای گفت‌وگو با بسیجی‌ها و سپاهی‌های فعال در مهار آشوب‌های فتنه، به امید رسیدم؛ بسیجی ۲۱ساله‌ای که بینایی یک چشمش را پیاده‌نظام فتنه، ۳۰خرداد ۸۸ با پرتاب آجر از نزدیک، از او گرفته بود.

در بخشی از مصاحبه‌ام از مشکلات او پس از طی دوره ناهفت پرسیدم. گرچه از راه انتخابی‌اش پشتیبان نبود و پس از دوران ناهفت هم به میدان مهار فتنه بازگشته بود، اما از فرمانده بسیج ناحیه‌اش و سپاه تهران گلایه کرد: «در مورد هزینه عمل، الحمدلله مشکلی نبود و سپاه همه را پرداخت کرد، اما مشکل اصلی این است که من شغلم را از دست دادم. من کارهای ساختمانی سنگینی انجام می‌دادم. د کتر به من گفت که نباید جسم سنگین بلند کنم، به همین دلیل دیگر نشد بروم سسر کار. قرار بر این بود طبق روال معمول، از طرف سپاه به من بیمه بیکاری تعلق بگیرد که متأسفانه این اتفاق نیفتاد. من سه فرمانده حوزه، به فرمانده ناحیه، به جانشین و به شخص سردار همدانی نامه دادم، حتی چند وقت پیش به سردار عزیز جعفری هم نامه زدم، اما متأسفانه هنوز مشکلات من حل نشده است. حالا سردرهای شدید دارم. به خاطر درد چشمم دیر وقت می‌خوابم. اینجا دیگر عادت شده‌است. دکتر هم رفتم، می‌گوید همین است دیگری!» مصاحبه‌ام با امید، ۸۹در روزنامه جوان منتشر شد. فکر می‌کردم گلایه‌هایش از فرماندهان ارشد سپاه حذف شود که نشد. خبری هم نشد از هیچ‌کس… با خودم گفتم فرماندهان سپاه اصلاً مگر وقت خواندن مصاحبه‌های ما را هم دارند!

از امید هم دیگر خبری نداشتم تا اواخر سال ۹۷ که به من زنگ زد و تعجب کردم. گفت اگر بشود بیاید روزنامه و یک کار کوچکی بنا من دارد. قرار گذاشتم. آمد. هنوز همان قدر محجوب و متین و متواضع و همان قدر انفرادی، بالانیا نمید و من رفتم پایین. گفت کار کوچکی دارد و کوچک هم بوده، بسته‌ای که از جیشش در آورده، بازش کرد، یک رنگین یاسی رنگ… گفت عقیق اصل یعنی است، دوستانت‌ام از یمن آورده‌اند. من برای شما آوردم، تشکر بابت آن مصاحبه… من متعجب نگاهش می‌کردم. ما باید ممنون او می‌بودیم که با ما حرف زند!

امید دلیل تشکرش را هم گفت. بعد گفت: بعد از آن مصاحبه، سردار (حسین) همدانی دعوت‌م کرد و اول گلایه‌ای پدربانه که حرف‌هایت را در روزنامه می‌زنی، خب به خودمان می‌گفتی… بعد هم دلجویی کرده، پای حرف‌های امید نشسته و دستور پیگیری مشکلات این جانبا ز کم‌سن و سال فتنه را داده و کارهایش را راه انداخته است. امید وقتی اینجا را برام تعریف کرد که سردار عزیز ما دیگر در این دنیا نبود. صبح جمعه‌ای بود، پاییز سال ۹۴، میانه مهرماه که خبر آمد سردار حسین همدانی در سوریه به آسمانی شده است؛ روزی تلخ که ما در خود شکستیم و یاری‌دیم.

این روزها هل فتنه باز کمز به ترور سردار بسته‌اند انگار، در امتداد حرکت تروریست‌ها، این بار با گلوله همت و دروغ و من یادم افتاد که سردار، بی‌گلایه به روزنامه، پیگیر گلایه‌های یک جوان بسیجی شد و کارش را راه انداخت. جسارت میرحسین موسوی به شهید حسین همدانی پنهانی شد تا قاصه عقیق یعنی‌ام را هم بنویسم. از این همه سال روزنامه‌نگاری، دعای این بسیجی شاید برام بماند.

بعد فکر کنم چقدر از مسئولان ما هم‌زمان سه‌ه صدر شنیدن گلایه و تعهد پیگیری مشکلات مطرح شده را دارند تا برای‌ام عقیق‌های امید بکارند؟ یازنگ می‌زند گلایه‌ی می‌کنند که چرا فلان مطلب نوشته شده تا می‌خوانند و می‌گذرند و انتهایی هم ندارند یا اصلاً نمی‌خوانند!

راستی، از امید خاتمی در مصاحبه، حسش به ضاری را که اجر انداخته بود، پرسیدم. گفت: من که ندیدم چه کسی بود، اما همان شب حلاش کردم، هموطن من بود، فرییش داده بودند…

گزارش‌خبر

تشکیل کمیته‌پیگیری سدسازی در ترکیه از سوی وزارت خارجه

یکی از عوامل اصلی افزایش پدیده گرد و غبار در سال‌های گذشته، خشکی دشت‌های سرزمینی در عراق و سوریه بوده که در کنار تغییرات اقلیمی و آب و هوایی منطقه، پروژه‌های سدسازی ترکیه نیز موجب تشدید آن شده‌است. عباس گلرو، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با تسنیم، با اشاره به مشکلات زیست‌محیطی ناشی از برخی سدسازی‌ها از سوی کشورهای همسایه گفت: یکی از چالش‌های اساسی دنیا و به ویژه منطقه ما مسئله آب است که موضوع مدیریت منابع آب را هم در داخل کشور و هم در حوزه همسایگان مورد داهیت قرار داده‌است. در همین راستا اقدامات سال‌های گذشته ترکیه در احداث چندین سد روی دجله و فرات حساسیت‌هایی را علاوه بر ایران در عراق و سوریه نیز برانگیخته‌است.

وی با اشاره به اثرات مخرب زیست‌محیطی ناشی از کاهش میزان آب ورودی از دجله و فرات گفت: بدون شک یکی از عوامل اصلی افزایش پدیده گرد و غبار در سال‌های گذشته، خشکی دشت‌های سرزمینی در عراق و سوریه بوده که در کنار تغییرات اقلیمی و آب و هوایی منطقه، پروژه‌های سدسازی ترکیه نیز مزید بر علت آن شده‌است. از همین رو بر اساس درخواست‌های پیگیری‌های مجلس کمیته‌ای در وزارت خارجه تشکیل شده است تا مسئله سدسازی ترکیه را مورد بررسی کارشناسی قرار دهد؛ مسئله‌ای که در سفر اخیر وزیر امور خارجه به ترکیه نیز مورد توجه آقای امیر عبداللہیان قرار گرفت.

نایب رئیس کمیسیون امنیت ملی عنوان کرد

انتفاع اقتصادی و بستن پرونده پادمان ۲ شرط ایران در مذاکرات

نایب رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس با تأکید بر اینکه مذاکره بر مبنای منافع ملی، انتفاع اقتصادی ملت و رسیدن به اهداف راهبردی در حوزه هسته‌های مسورد پذیرش ایران است، گفت: امریکا و اروپایی‌ها باید پرونده پادمان ایران را ببندند و تضمین لازم را جهت اطمینان بخشی به ایران بدهند. ابراهیم عزیزی در گفت‌وگو با خانه ملت، در واکنش به اظهارات مذاکره‌کننده ارشد امریکا مبنی بر مذاکرات وین توافق بر سر رفع تحریم‌ها صورت نگرفته است، گفت: ما بارها اعلام کرده‌ایم جمهوری اسلامی ایران به خاطر مبانی مستحکم، از مذاکره با غربی‌ها نترسد و همیشه آمادگی دارد مسائل خود را با سایر کشورها از مسیر مذاکره حل‌وفصل کند اما مذاکره بر مبنای منافع ملی، انتفاع اقتصادی ملت ایران و رسیدن به اهداف راهبردی را که در حوزه هسته‌ای دارد، می‌پذیرد. نایب رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی افزود: چنانچه طرف‌های مقابل این آمادگی داشته باشند و بتوانند تصمیم قاطع سیاسی و بدون بازیگوشی بگیرند، به عهده و بیمان خود وفا کنند و مانند گذشته ناقص عهد و پیمان نشوند، جمهوری اسلامی ایران این آمادگی را داشته دارد و در کمرب مبنای همین مسیر مذاکرات را پیش بربرد.

وی در ادامه اظهار کرد، در اولین قدم مذاکره‌کنندگان به ویژه امریکایی‌ها باید بپذیرند که پرونده پادمانی ایران به عطر کامل بسته شود و هیچ گونه خللی نباید بر این موضوع در آینده وارد شود، یعنی نکته مهم این است که امریکا و اروپایی‌ها باید پرونده پادمان ایران را ببندند. در گام بعد تضمینی را باید بدهند که دوباره به‌عهدی نکنند.

شهادای چون شهید سلیمانی و همدانی و دیگر شهدای مدافع حرم حمله می‌کند، باید پاسخ دهد که چقدر برای ناموس و حریم کشور ارزش قائل است؟

نویبان یادآور شد: مدافعان حرم جان خود را در راه سیدالشهدا(ع) و حضرت زینب(س) فدا کردند. دفاع از حرم آنقدر مهم است که امام حسین(ع) در روز عاشورا تا آخرین لحظه ایستادگی کرد. امروز هم یزیدیان زمان در قامت داعشی‌ها ظاهر شدند و به حرم حضرت زینب(س) حمله می‌کنند و مسردم بی‌گناه را مورد حمله و آزار قرار می‌دهند. شهادای مدافع حرم جان خود را برای دفاع از حرم حضرت زینب(س) فدا کردند اما داعشی‌ها مانند یزیدیان به حرم حمله کردند. سوال ما از میرحسین موسوی آن است که آیا طرفدار یزیدیان و داعشی‌هاست که در دفاع از تروریست‌ها حرف می‌زند؟ نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی تأکید کرد: زمانی که میرحسین موسوی به شهادای مدافع حرم حمله می‌کند، ماهیت خود را به همه نشان می‌دهد که در مسیر داعشی‌ها و یزیدیان گام می‌برد. او ماهیت خودش را بیشتر از گذشته روشن کرد که در کدام قبیله جا دارد.

نویبان تصریح کرد: همه ما موظفیم در برابر داعشی‌ها که تداوم‌دهنده یزیدیان هستند در مقابل کسانی که از داعشی‌ها دفاع می‌کنند و به حسینی‌ها و مدافعان حرم حمله می‌کنند، بایستیم.

نماینده مردم تهران در مجلس:

موسوی در مسیر داعشی‌ها گام برمی‌دارد



نیست که در برابر تروریست‌ها مبارزه می‌کنند. شهید سلیمانی و شهید همدانی در مقابل تروریست‌ها ایستادند و موضع میرحسین موسوی مشخص تر شد چراکه در دفاع از تروریست‌ها و علیه شهید همدانی، شهید سلیمانی و مدافعان حرم صحبت کرد. وی اظهار داشت: اگر تروریست‌ها به ایران می‌آمدند، علاوه بر اینکه به کشورام حمله می‌کردند، ناموس و زن و بچه مردم هم به تاراج می‌رفت. باید به میرحسین موسوی گفت که خوب است آدم اندکی غیرت داشته باشد! مدافعان حرم و شهید همدانی ایستادند تا ناموس مان حفظ شود و مورد تعرض قرار نگیرد. موسوی که به